دینی و دنیوی خود را دادن پناه میجویم بتو از وسوسهای نفس و شیطان که در دل می افکنند از
پراکنده شدن خاطر در امور دینی بسبب توجه در امور دنیوی زیرا که جمعیت باطن نیست
مگر بهمین که هم او همین هم دینی باشد در حدیث است من جعل الهموم هما واحدا هم الدین
کفاه الله هموم الدنیا فلا فوت و از فتنه قبر که ابتلای است در قبر بسوال یا بعذاب
و نکال قوله اللهم انی اعوذ بک الخ بار خدایا بتحقیق من پناه میجویم بتو از بدی چیزی
که در آید در شب از موذیات و از بدی چیزی که در آید در روز و از بدی چیزی که بوزد
بسبب یا بملابست آن چیز بادهای عذاب یا جاری کنند و بارد آن چیز یا از آن بادها است
کلمه یا برای تقریب است   وَالتَّلْبِيَةُ بِعَرَفَاتٍ سُنَّةٌ   یعنی
در سنن نسائی و صحیح مستدرک حاکم مروی است از ابن عباس رضی الله عنه و
حاکم گفته است صحیح علی شرط الشیخین که رسول خدا فرموده است لبیک اللهم لبیک گفتن
در عرفات سنت موکده است قبل از وقوف و بعد از وقوف نیز تا رمی و تلبیه در
ابتدای احرام واجب است نزد ما و سنت است نزد امام شافعی و وقت انتقال از
حالی بحالی سنت است که ترک آن موجب اسارت است و بسیار گفتن در انتقال
مذکور مندوب است و هر بار که آغاز کند تلبیه را سه بار متوالی گفتن مستحب است سعید
بن جبیر گفته است کنت مع ابن عباس بعرفات فقال ما لی لا اسمع الناس یلبون
فقلت یخافون من معاویة فخرج ابن عباس من فسطاطه فقال لبیک فانهم
قد ترکوا السنة من بغض علی   وَ لَمَّا وَقَفَ بِعَرَفَاتٍ قَالَ لَبَّيْكَ
اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ قَالَ إِنَّمَا الْخَيْرُ خَيْرُ الْآخِرَةِ   یعنی در سعی اوسط طبرانی
مروی است نیز از ابن عباس رضی الله عنه و هر گاه می ایستاد رسول خدا در عرفات
دمی گفت لبیک اللهم لبیک می فرمود مثبت خیر و نیکو که خیر و نیکی آخرت است این

فرمودن

فرمودن در کمال توسعت است و در روایتی است که روز خندق می فرمود لا عیش الا عیش
الآخرت و این فرمودن در غایت شدت بوده پس سالک مسلک متابعت آنحضرت
را لازم است که هم در کمال جاه و رفعت و کثرت اتباع و وسعت و هم در نهایت
تنگی و مسکنت و رنج و محنت فنای دنیا و بقای آخرت والآخرة خیر و ابقی والعاقبة
للتقوی   فَإِذَا صَلَّى الْعَصْرَ وَقَفَ بِعَرَفَةَ يَرْفَعُ يَدَيْهِ وَيَقُولُ
اَللّٰهُ أَكْبَرُ وَلِلّٰهِ الْحَمْدُ اَللّٰهُ أَكْبَرُ وَلِلّٰهِ الْحَمْدُ اَللّٰهُ أَكْبَرُ وَلِلّٰهِ الْحَمْدُ لَا
إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ اَللّٰهُمَّ
اهْدِنِي بِالْهُدَى وَنَقِّنِي بِالتَّقْوَى وَاغْفِرْ لِي فِي الْآخِرَةِ وَ
الْأُولَى ثُمَّ يَرُدُّ يَدَيْهِ فَيَسْكُتُ قَدْرَ مَا يَقْرَأُ الْإِنْسَانُ فَاتِحَةَ
الْكِتَابِ ثُمَّ يَعُودُ فَيَرْفَعُ يَدَيْهِ وَيَقُولُ مِثْلَ ذٰلِكَ   نق
صیغه امر است از تنقیت یعنی پاک کردن یعنی در مصنف ابن ابی شیبه مروی است
موقوف از قول و فعل ابن عمر رضی الله عنه پس قول و وقتی که می گذارد نماز عصر را
در وقت نماز ظهر در مسجد نمره که قریب عرفه است و این جمع تقدیم است بشرائطی
که معروف است در کتب فقه و این جمع نزد امام شافعی برای سفر است می ایستاد در
عرفات از جانب جبل کوه عرفات در موضع سنگهای سیاه که مشهور است بموقف
رسول خدا بر میداشت هر دو دست خود را و می گفت الله اکبر و لله الحمد سه بار
و لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک و له الحمد و احسن آنست که بگوید آنرا الی
آخره که سبق قوله اللهم اهدنی بالهدی یا رضا یا راه راست نمای بمقصد اقصی
و برسان مرا بآن مقصد بسبب یا بملابست هدایت و عنایت خود قال الله تعالی
قل ان الهدی هدی الله و پاک کن مرا از عقوبت بسبب التزام پرهیزگاری از ترک
عیوب

Copyright © King Saud University

Created with PDFsharp 1.2.1269-g (www.pdfsharp.com)